



”

یکی از اساتید که تازه از دانشگاه کالیفرنیا به ایران بازگشته بود، میانسال بود و من توانستم با ایشان دوستی خوبی برقرار کنم. ایشان به من گفت چه می خوانی؟ گفتم مهندسی صنایع. در کمال تعجب گفت ای بابا چرا مهندسی صنایع؟ این رشته در دنیا منسوخ شده!

دلسوز بودند و رویکرد متفاوتی داشتند. مثلاً آن زمان به شاگرد مقطع اول راهنمایی می گفتند ماده سه حالت دارد؛ جامد و مایع و گاز. ولی معلم زیست شناسی ما از حالت چهارمی نام برد به نام پلاسما. خب همین موارد باعث می شد که ذهن ما باز شود. به هم سن و سالانم که می گفتم ماده یک حالت دیگر هم دارد، به من می خندیدند و با تمسخر می گفتند آنقدر درس خوانده که دیوانه شده! در دبیرستان هم اساتید معروف شهر مشهد معلم ما شده بودند تا پایه علمی بچه ها در دانشگاه قوی باشد. بهترین چیزی که به ما هدیه دادند این بود که نگاه ما را به درس و تحصیل متفاوت کردند. به دلیل لجبازی های دوران بلوغ در کنکور سراسری شرکت نکردم؛ ولی در کنکور دانشگاه آزاد در رشته مهندسی صنایع پذیرفته شدم.

### ترک تحصیل در ترم آخر

سال ۱۳۷۴ که من وارد دانشگاه شدم، مهندسی صنایع جزو رشته های پرطرفدار بود. یکی از اساتید که تازه از دانشگاه کالیفرنیا به ایران بازگشته بود، میانسال بود و من توانستم با ایشان دوستی خوبی برقرار کنم. ایشان به من گفت چه می خوانی؟ گفتم مهندسی صنایع. در کمال تعجب گفت ای بابا چرا مهندسی صنایع؟

سال ۱۳۷۴ که من وارد دانشگاه شدم، مهندسی صنایع جزو رشته های پرطرفدار بود. یکی از اساتید که تازه از دانشگاه کالیفرنیا به ایران بازگشته بود، میانسال بود و من توانستم با ایشان دوستی خوبی برقرار کنم. ایشان به من گفت چه می خوانی؟ گفتم مهندسی صنایع. در کمال تعجب گفت ای بابا چرا مهندسی صنایع؟

